

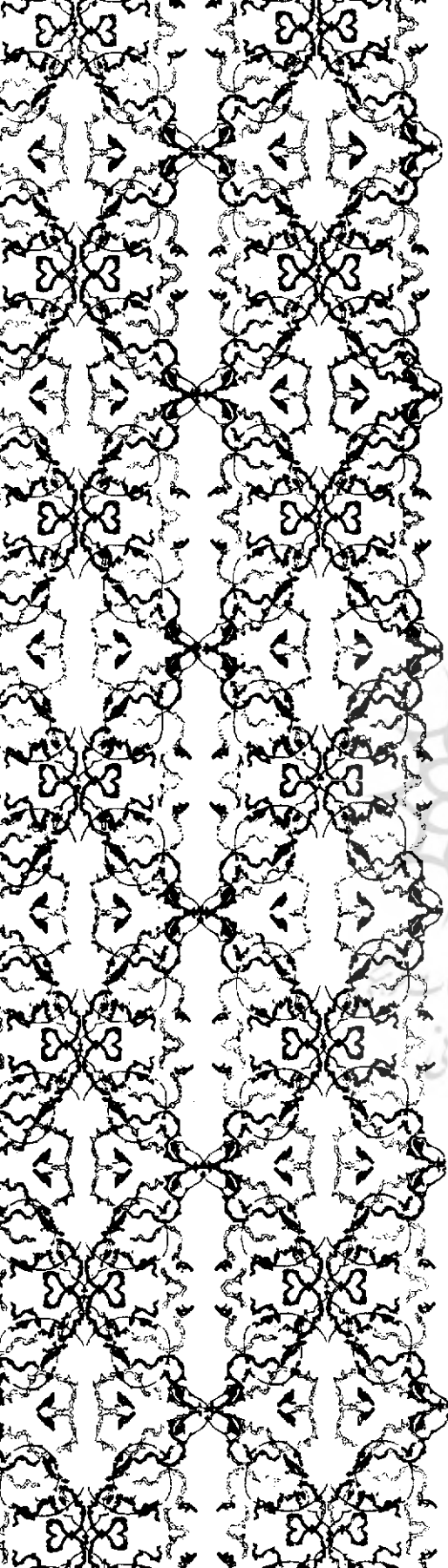
چگونگی شکست

مأموریت نمایندگان ایران  
در کنفرانس صلح پاریس

( ورسای ۱۹۱۹ )

از

ایرج ذوقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم انسانی



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چگونگی شکست

## مأموریت نمایندگان ایران

در کنفرانس صلح پاریس

(ورسای ۱۹۱۹)

با شکست قوای محور در جبهه های غربی و پایان جنگ ، نمایندگان کشور های متفق و همچنین کشورهای که بنوعی درگیر جنگ بودند ، در قصر ورسای واقع در حومه پاریس گردآمدند تا به حل و فصل امور مربوط به صلح بپردازند . کنفرانس ورسای که در شمار یکی از کنفرانسهای بزرگ تاریخ عصر حاضر است ، کار خود را رسماً در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۱۹ شروع نمود و نمایندگان بیش از ۳۰ ملت در آن شرکت داشتند . از ایران هم هیئتی برای شرکت در این کنفرانس عازم پاریس گردید تا دعای ایران را بسمع کنفرانس برساند ولی نمایندگان ایران هیچگاه به مجمع مزبور راه نیافتند و در نتیجه کاری از پیش نبردند .

چگونگی شکست مأموریت نمایندگان ایران در استیفای حقوق حقه ملت ایران که طی چهار سال جنگ متحمل خسارات جانی و مالی فراوان گردیده و از سوی دیگر سرزمینشان در تمام مدت جنگ میدان تاخت و تاز قوای دول متحارب شده بود ، تقریباً از

نظر مورخین نادیده گرفته شده است. مورخینی هم که به این مسئله نظری داشته‌اند گناه شکست و عدم موفقیت را فقط متوجه عوامل داخلی و سیاست دولت ایران میدانند و در واقع نقش مستقیم دولت انگلستان را در این باره از نظر دور داشته‌اند.

راهی که به اعزام هیئت نمایندگی ایران به پاریس منتهی شد از شروع جنگ یعنی ۱۹۱۴ آغاز میشود، خصوصاً هنگامیکه درگیری امپراتوریهای روسیه و عثمانی خطر جنگ و عواقب آنرا به مرزهای ایران کشاند. قبلاً هم بیم آن میرفت که وجود قوای روسیه در نواحی شمالی ایران که از سال ۱۹۱۲ و بدنبال اخراج مورگان شوستر امریکائی در آن نواحی حضور داشتند باعث گردد تا صحنه نبرد بین عثمانی و روسیه به داخل خاک ایران کشیده شود. با وجود این احتمال و اینکه اصولاً کشور ایران از درگیریهای دول اروپائی دور نگهداشته شود، دولت وقت دست به اقداماتی زد تا مگر از بروز هرگونه حادثه‌ای جلوگیری نماید.

قبل از هر اقدامی مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرای وقت در فکر بیطرفی کشور ایران بود و سرانجام نیز در تاریخ ۱۲ ذی‌الحجه ۱۳۳۲ (اول نوامبر ۱۹۱۴) به صدور فرمانی بنام شاه مبادرت نمود و طی آن بیطرفی ایران را در جنگ اعلام داشت. برخیز معتمدند که مستوفی‌الممالک با تصویب شاه و توصیه متفقین

۱- برای آگاهی بیشتر از چگونگی و علت حضور قوای روسیه در شمال ایران و اخراج شوستر رجوع کنید به کتاب اختناق ایران تألیف مورگان شوستر، ترجمه ابولحسن موسوی شوشتری.

۲- متن کامل فرمان بیطرفی ایران، در کتاب ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴، تألیف مورخ‌الدوله سپهر، صفحه ۸۹.

بیطرفی ایران را اعلام داشته است.<sup>۳</sup> البته شاید از میان دولتهای متفق، دولت انگلیس مایل به بیطرفی ایران بوده است، بطوریکه وزیر امور خارجه انگلیس هم طی نطقی در مجلس عوام آن کشور تمایل دولت انگلستان رامبنی بر بیطرفی ایران در جنگ باطلاع نمایندگان رسانده و اظهار امیدواری نمود که بعد از جنگ هم ایران قادر به حفظ استقلال و تمامیت ارضی خود گردد.<sup>۴</sup>

متقابلاً دولت روسیه ادامه حضور قشون خود را در خاک ایران برای حراست از مرزهای روسیه از هجوم ارتش عثمانی ضروری دانسته و از طرفی با در نظر گرفتن حقوقی را که از قرارداد ۱۹۰۷ برای خود قائل بوده است، شاید قصد داشته تا از خاک و منابع موجود در ایران بر علیه عثمانی استفاده نماید. در تحت چنین شرایطی مسلماً دولت روسیه توجه و تمایلی به بیطرفی ایران نداشته است. مسئله عدم رعایت بیطرفی ایران از جانب روسیه، مورد نظر دولت عثمانی هم بوده است چنانچه عاصم بیگ سفیر عثمانی در مذاکراتی که با علاء السلطنه وزیر خارجه ایران در باب شروط دولت عثمانی برای رعایت و قبول بیطرفی ایران بعمل آورد به این مسئله اشاره نموده و اظهار داشت که حضور قوای روسیه در خاک ایران یغودی خود ناقض بیطرفی ایران خواهد بود و بر همین اساس نمیتوان به رعایت اصول بیطرفی از جانب روسها اطمینان داشت و لذا دولت عثمانی هم تعهد کاملی برای رعایت بیطرفی ایران نمی نماید.<sup>۵</sup>

۳- ابراهیم صفائی، رهبران مشروطه، ص ۴۲۳.

۴- نقل از مجله The Century ژانویه ۱۹۲۰، ص ۳۲۲.

۵- عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من: یاتاریخ اجتماعی واداری دوره قاجاریه، جلد سوم، ص ۱۴۴ و مورخ الدوله سپهر، همان کتاب، ص ۹۰ و همچنین رجوع کنید به: « نطق فروغی در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹، مجله یغما، سال شانزدهم (۱۳۴۲)، شماره یکم (فروردین ماه)، ص ۱۰ تا ۱۵.

مذاکرات و مکاتبات بین دولتین ایران و روسیه هم برای تخلیه ایران از قوای روس به نتیجه مطلوب نرسید و سفارت روسیه سرانجام طی نامه‌ای پاسخ منفی دولت متبوع خود را مبنی بر عدم احضار قوای روس از آذربایجان با اطلاع دولت ایران رسانید.<sup>۶</sup> در این موقع بدون توجه به اخطارهای دولت ایران، نیروهای عثمانی از مرزهای غربی گذشته و وارد ایران شدند و روسیه تزاری هم برای مقابله با عثمانیها سراسر شمال را اشغال کرده و انگلیسیها نیز سربازان مستعمراتی خود را در جنوب متمرکز ساختند.<sup>۷</sup> با وجود حمایت ظاهری دولت انگلستان از سیاست بیطرفی ایران، معهذا قبل از اینکه قوای عثمانی هجوم خود را به مرزهای ایران شروع کند، نیروهای انگلیسی وارد جزیره بحرین شده و بندر فائو را تصرف نمودند. بدنبال تصرف فائو در مدخل خلیج فارس، یک دسته بزرگ از سربازان هندی بفرماندهی سه تن از ژنرالهای انگلیسی بنامهای بارت Barrett دلامین Delamain و مود Maude در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۱۴ بصره را تصرف کردند و شهر آبادان را زیر نظر گرفتند. روشن است که هدف کلی از این قشون‌کشی حفظ تاسیسات نفتی آبادان و مراقبت از آن بوده است.<sup>۸</sup>

در اوائل سال ۱۹۱۶ دولت انگلستان با ایجاد یک نیروی نظامی مرکب از ۱۱۰۰۰ نفر در جنوب ایران موقعیت نظامی خود را برای حفظ منابع و تاسیسات نفتی جنوب ایران و همچنین

۶- متن این‌نامه در کتاب مورخ‌الدوله سپهر، صفحه ۹۱ چاپ شده است.

۷- ابراهیم صفائی، همان کتاب، ص ۴۲۴

8— H. W. V. Temperley, ed. A History of the Peace Conference of Paris, Vol. VI, (London: Henry Frowde and Hodder, 1924), PP. 5-6 .

جلوگیری از نفوذ آلمانها در این منطقه تحکیم کرد . این نیرو بعداً بنام نیروی پلیس جنوب South Persia Rifles نامیده شد که هدف از ایجاد آن بنابر نظر بعضی مورخین فقط حفظ امنیت طرق جنوب و مقابله با عملیات مأمورین و عمال آلمانی بوده است.<sup>۹</sup> ولی نباید از نظر دور داشت که نفت جنوب نقش اساسی در ایجاد این نیرو داشته است. براساس اسناد معتبر و چاپ نشده کابینه زمان جنگ انگلستان ، حفظ لوله‌های نفتی و دسترسی به منابع نفت جنوب ایران که سوخت بحریه انگلیس را تامین مینمود، از علل عمده ایجاد و تقویت نیروی پلیس جنوب بوده است.<sup>۱۰</sup> بطوریکه برای تامین این منظور کابینه زمان جنگ انگلیس تصمیم به اعزام ۱۲۰۰ نفر افسر انگلیسی و مستعمراتی هندی به جنوب ایران گرفت تا پیش از پیش این نیرو را تقویت نماید.<sup>۱۱</sup> نیروی پلیس جنوب که بدون اجازه دولت ایران تشکیل شده بود در تحت فشار دولت انگلستان در ماه مارس ۱۹۱۷ از طرف ایران برسمیت شناخته شد و شناسائی رسمی این نیرو در کابینه انگلستان و هم در مجلس اعیان آن کشور با استقبال روبرو گردید<sup>۱۲</sup>

وجود نیروی نظامی انگلیس در ایران منحصر به منطقه جنوب کشور نبود ، بلکه انگلستان که خود در ابتدا بیش از دیگران تمایل به بیطرفی ایران داشت ، در شمال غربی و شمال

۹- مورخ‌الدوله سپهر، همان کتاب ، ص ۱۲۷

10- Cabinet Papers, CAB. 23/5, No. 369 (10), 21 March 1919, P. 5 .

11- Ibid.

۱۲- رجوع کنید به بیانات لرد کرو در مجلس اعیان انگلیس در:

Palimentary Debates, (House of Lords), Fifth Seres, Vol. 23. Col. 420, 27 February 1919 .

شرقی ایران نیز نیرو پیاده کرده و حتی سعی نمیکرد که انجام اینگونه عملیات نظامی را در يك کشور بیطرف مخفی نگهدارد ، چنانچه لرد کرزن بمجرد اعزام ۱۳۰۰ نفر قوا به جنوب غربی ایران ، که بموجب تصمیم و رای کابینه انگلیس صورت گرفته بود <sup>۱۳</sup> موضوع را با اطلاع نمایندگان مجلس رساند.

ملك الشعراء بهار مینویسد : « دولت بریتانیا علاوه بر پلیس جنوب قوایی نیز از خراسان در بین‌النهرین وارد کرده و در حدود زنجان و قفقاز یا عثمانیها تماس پیدا کرده بودند و در بندر انزلی نیز مهمات گردآورده بودند و از خراسان نیز قصد داشتند بخاک ماوراء خزر پیشروی کنند . <sup>۱۴</sup> » مقصود از اعزام نیرو به شمال شرقی ایران جلوگیری از عبور آلمانیها از طریق ایران به افغانستان و بلوچستان بود . <sup>۱۵</sup> و علاوه بر آن برای حراست کامل افغانستان نیروی دیگری را هم در منطقه جنوب شرقی کشور متمرکز ساختند .

کنترل کامل مرزهای ایران را نیروهای انگلیسی در اوائل سال ۱۹۱۸ در دست گرفتند . در اثر انقلاب روسیه در اواخر سال ۱۹۱۷ ، قوای روس نواحی شمال ایران را تخلیه و جا را برای عملیات نیروهای انگلیسی بازگذاشتند . در جلسه روز ۲۱ مارس ۱۹۱۸ ، کابینه جنگ انگلستان مسئله خلاء نیروهای روسی در شمال ایران و خطری را که از این راه برای ترکستان و هندوستان ایجاد شده بود مورد بحث قرار داده و تصمیم گرفت تا با اعزام نیروئی به شمال ایران مانع نفوذ ترکها و آلمانیها

13— Cabinet Papers, CAB. 23/41, No. 29 (3), 12 August 1918, P. 2 .

۱۴- محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ص ۳۴

15— Lord M. Hankey, The Supreme Command 1914-1918, Vol. 2, P. 350.



به هندوستان شود . برای انجام این منظور نیروئی بفرماندهی ژنرال ویلسن به رشت وانزلی اعزام گردید<sup>۱۶</sup> . باین ترتیب از هرطرف کنترل مرزهای ایران در اختیار سربازان انگلیسی و مستعمراتی آنها درآمد . در این زمان تنها منطقه‌ای که انگلیسیها در آنجا نیروئی نداشتند آذربایجان بوده است<sup>۱۷</sup> .

با سقوط جبهه های متحدین و شکست آنها در اواخر سال ۱۹۱۸ چون دیگر خطری از جانب آنها متوجه ایران و هندوستان نبود ، لذا انگلیسیها با خیال راحت به یکه تازی در ایران پرداخته و حتی يك ناوگان از نیروی دریائی انگلستان در آبهای بحر خزر مستقر گردید . دولت انگلستان که پیش از متفقین خود سنگ بیطرفی ایران را به سینه میزد بیشتر از آنها خاك این کشور را مورد تهاجم قرار داده و سهم آن دولت در نقض بیطرفی ایران نیز پیش از دیگران بوده است . در طی چهار سال جنگ که صحنه پهناور مملکت ایران میدان کشاکش حریفان جنگی گردیده بود ، ایران بیطرف هر روز ویران تر و مردم بی پناه آن بی جهت بخاك و خون کشیده شدند . مداخله قوای دول جنگنده در امور ایران و قشون کشی های آنها و بروز نبردهای پراکنده در گوشه و کنار مملکت باعث گردید که يك کشور بیطرف با وجودیکه هیچگونه دخالت مستقیم در جنگ نداشت ، متحمل خسارات سنگینی بشود .<sup>۱۸</sup>

دولت ایران برای رسیدن به حقوق خود و جبران خساراتی

16— Cabinet Papers, CAB. 23/5, No. 369 (10), 21 March 1918, P. 5.

۱۷— یحیی دولت آبادی ، تاریخ عصر حاضر یا حیات یحیی ، جلد چهارم ،

ص ۹۲

۱۸— خسارات وارده به ایران در جنگ جهانی اول ، به نقل از کتاب سبز عبارت بود از—/۴۳۶۰۴۵۰۰۰ تومان زیان مالی و—/۳۰۰/۰۰۰ تلفات انسانی ، رجوع کنید به رهبران مشروطه ، ص ۴۴۱

را که از جنگ دیده بود یکبار دیگر دست کمک بسوی انگلستان دراز کرد و طی نامه‌ای انجام خواسته های خود را از آن دولت باین شرح تقاضا نمود :<sup>۱۹</sup>

۱- قبول مشارکت نمایندگان دولت ایران در کنفرانس صلح، هرچند که نمایندگان کشور های بیطرف دیگر در این کنفرانس پذیرفته نشوند .

۲- الفاء عهدنامه ۱۹۰۷ روسیه و انگلستان و عهدنامه های دیگر که ناقض استقلال و تمامیت ارضی ایران باشد .

۳- جبران خسارات مالی که در طی جنگ به ایران وارد شده است .

۴- برخورداری از آزادی اقتصادی و تعیین سرنوشت اقتصادی کشور بدون دخالت بیگانگان .

۵- بررسی مجدد و تجدید نظر در عهد نامه های سابق و الفاء آن دسته از عهد نامه هائی که براساس آنها به خارجیان امتیازات ارضی داده شده است .

۶- مساعدت در تخلیه ایران از قوای خارجی و تخلیه مملکت از نیروهای انگلیسی .

۷- تفویض نیروی پلیس جنوب S.O.R. به دولت ایران .

۸- تجدید نظر در تعرفه های گمرکی .

دولت انگلیس از قبول همه درخواستهای ایران خودداری نمود و وزیر مختار انگلیس یادداشت آن دولت را که حاوی پاسخ به درخواستهای ایران بود به وزارت خارجه ایران تسلیم کرد .

19— United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919: The Paris Peace Conference. Vol. 1, P. 260 .

دولت انگلستان با تخلیه ایران از قوای خود بدلیل اینکه مسئول استقلال و تمامیت ارضی آن است خودداری کرد و همچنین با اینکه کنترل و اداره امور نیروی پلیس جنوب به ایران واگذار شود مخالفت نموده و متذکر گردید که ملیت افسران و فرماندهان نیروی پلیس جنوب باید با تأیید و تصویب دولت بریتانیای کبیر تعیین گردد . الفای قرارداد ۱۹۰۷ و تجدید نظر در تعرفه های گمرکی را مورد قبول و شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح ، مشروط به شرکت نمایندگان دول غیر متحارب و بیطرف دیگر در این کنفرانس تعیین گردیده بود .<sup>۲۰</sup>

دولت ایران همچنین دست کمک بسوی ایالات متحده امریکا دراز نمود تا در راه رسیدن به خواسته های خود از حمایت و کمک این کشور برخوردار گردد . به دنبال درخواست کمک ایران از آمریکا ، وزیر مختار آمریکا در تهران در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۱۸ طی گزارشی به وزارت امور خارجه امریکا متذکر گردید که « خسارات و صدمات وارده به ایران بیشتر از کشورهای بیطرف دیگر است که در جنگ شرکت نداشتند و استقلال و تمامیت ارضی ایران هم در طول جنگ توسط کشور های روسیه ، ترکیه و بریتانیای کبیر مورد تجاوز قرار گرفته است . . . و اکنون امید ایران به ایالات متحده آمریکا است . . . »<sup>۲۱</sup>

در مورد کمک و حمایت امریکا از نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و جبران خساراتی که ایران در طی جنگ متحمل

۲۰- مورخ الدوله سپهر، همانجا، ص ۴۹۳ - ۴۹۴

21- United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919: The Paris Peace Conference. Vol. 1, P. 265 .

شده بود، لانسینگتگ وزیر امور خارجه امریکا طی نامه‌ای علاقمندی کامل و توجه مخصوص دولت امریکا را مبنی بر شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح به دولت ایران ابلاغ نمود . ۲۲

هیئت نمایندگی ایران بدون دریافت هیچگونه دعوتنامه‌ای از طرف دفتر کنفرانس و تنها به امید مساعدت و حمایت دولتین امریکا و انگلیس ، برای طرح دعاوی خود ، تهران را ترك کرده و در ژانویه ۱۹۱۹ وارد پاریس شد . اعضای این هیئت عبارت بودند از : ذكاء الملك فروغی ، حسین علاء ، نبیل الدوله کاشی ، انتظام الملك و شاهزاده امان الله میرزا جهانبانی<sup>۲۳</sup> و ریاست این هیئت هم بعهده مشاور الممالک وزیر امور خارجه کابینه دوم «وئوق الدوله میل نداشت مشاور وزیر خارجه را مأمور شرکت در حالیکه بعضی از مورخین از نصرت الدوله فیروز بعنوان ریاست این هیئت نام برده‌اند<sup>۲۴</sup> . در این باره بهار مینویسد که : «وئوق الدوله میل نداشت مشاور وزیر خارجه را مأمور شرکت در مجلس صلح کند اما شاه بقدری در این باب اصرار کرد که ناچار مشارالیه بدین سمت مأمور شد .<sup>۲۵</sup>» همچنین ابراهیم صفائی مینویسد که : «نصرت الدوله در کنفرانس صلح دعاوی ارضی و خسارت و سایر مطالب را عنوان کرد ولی بمناسبت دعاوی پردامنه ایران حرف او بجائی نرسید و ملاقات وی با ویلسن رئیس جمهور و لانسینگتگ وزیر امور خارجه امریکا بیحاصل شد .<sup>۲۶</sup>»

22— Ibid., P. 262 .

۲۳- سیدمهدی فرخ، خاطرات سیاسی فرخ، ص ۵۲  
 ۲۴- علی اصغر شمیم، ایران دردوره سلطنت قاجار، ص ۴۸۹ و ابراهیم صفائی ، همانجا ، ص ۴۴۸  
 ۲۵- بهار ، همانجا ، ص ۳۷  
 ۲۶- ابراهیم صفائی، همانجا ، ص ۴۴۹

اولا بطوریکه خواهیم دید ، نمایندگان ایران هیچگاه به کنفرانس صلح راه نیافتند تا دعاوی ایران را عنوان نمایند و حتی با قاطعیت میتوان گفت که فروغی هم نطقی در کنفرانس صلح ایراد نکرده است. ۲۷ ثانيا ملاقاتی هم بین نصرت‌الدوله با ویلسن و وزیر امور خارجه امریکا صورت نگرفته است ، چه اینکه

۲۷- در شماره یکم مجله یغما سال شانزدهم ، فروردین ماه ۱۳۴۲ گزارشی تحت عنوان «نطق فروغی در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹» چاپ شده است که باتوجه به متن مزبور و مقابله آن بانامه‌ایکه فروغی از پاریس بگواهی راهنمای کتاب خطاب به دوستان خود در ایران نوشته و این نامه هم در صفحات ۸۳۲ تا ۸۴۵ مجله راهنمای کتاب شماره‌های ۱۱، ۱۰ و ۱۲ سال پانزدهم چاپ گردیده است و قسمتی از آنهم کلیشه شده ، چنین استنباط میشود که این نوشته توسط فروغی در کنفرانس صلح قرائت نشده است .

دلایل موجود درین باره اینست که اولاً در ابتدای این متن آمده است که : اکنون که سر نوشت دنیا در پاریس باید معلوم شود جادارد که چگونگی وضع ایران را نسبت به گذشته و حال حاضر و آینده مورد مطالعه قرار دهیم . «سپس فروغی سیری گنرا و سریع در تاریخ ایران از عهد سیروس و داریوش تا پایان جنگ جهانی اول کرده است و در خاتمه می نویسد که : «جنگ تمام شده متفقین پیروز شده اند دوره عدالت و انسانیت در تاریخ سیاست شروع شده آیا بر سر ایران چه خواهد آمد ...» و با استفهام از خود می پرسد که : «با چنین ایرانی چه معامله خواهند کرد ؟ آیا چنانچه شایسته است با او عدالت رفتار خواهد شد؟ آیا زورمندان فاتح چنانچه مدعی بودند که برای حق و آزادی می جنگند به ملت ستمدیده و باهوش ایران اجازه خواهند داد در محیط امنیت، صلح و استقلال زندگی کند؟» چنین مینماید که این مفاهیم خطاب به کنفرانس صلح ایراد نشده است و جنبه استفساهی کلام نمیتواند صورت نطق و یا سخنرانی در یک مجمع را داشته باشد. در سرتاسر نامه فروغی هم که در مجله راهنمای کتاب به چاپ رسیده نامبرده هیچ اشاره‌یی به اینکه نطقی در کنفرانس پاریس ایراد کرده باشد نمیکند و باتوجه به اینکه وی باتیژیینی خاصی اوضاع کنفرانس و بطور کلی اوضاع اروپا و کشورهای مختلف و خط مشی دول بزرگ را در کنفرانس تشریح کرده و فضای سیاسی حاکم بر کنفرانس صلح را نیز بادقت و دوراندیشی برای خوانندگان نامه اش تشریح کرده است، بعید بنظر میرسد که در صورت ایراد نطقی در کنفرانس مزبور جریان را با اطلاع دوستانش در ایران

نصرت‌الدوله در آن زمان در ایران بوده و ریاست هیئت نمایندگی ایران را نیز بعهده نداشته است.

صفائی در جای دیگر مینویسد: «نصرت‌الدوله چند روز قبل

نرساند. متقابلاً از نامه مزبور چنین برمیآید که جریان اوضاع کاملاً مغایر و مخالف خواسته‌های نمایندگان ایران بوده است. فروغی درجائی از این نامه مینویسد که «ده دوازده روز اوقات ما باین شکل تلف شد، بعد معلوم شد که خبری نیست و باید همان مقاصدی را که داشتیم تعقیب کنیم، مشغول شدیم و لواط ترتیب دادیم و به ملاقات رجال رفتیم» و در جای دیگری از همین نامه فروغی مینویسد: «چهل روز از تهران بی‌خبر بودیم بکلی بی‌تکلیف ماندیم و ندانستیم چه باید کرد و چه باید گفت و مقصود چیست» باینکه نامه فروغی تاریخ ندارد ولی معلوم میشود که این نامه را حداقل چهل روز پس از ورود به پاریس نوشته است و تا آن موقع یعنی حداقل چهل روز پس از ورود هنوز تنها نطقی ایراد نشده بلکه حتی امید راه یافتن هیئت نمایندگی ایران به کنفرانس صلح را هم ندارد، چنانچه مینویسد: «نگرانی ما در این است که اگر واقعا یک روزی ما را خواستند و در مسائل ایران با ما داخل مباحثه شوند چه بگوئیم... بهمین جهت تردید داریم که آیا جدواهتمام بکنیم که ما را به کنفرانس بطلبند یا نه» درحالیکه اگر فروغی تاکنون نطقی در کنفرانس صلح ایراد کرده بود دیگر تا این حدجائی برای نگرانی وی وجود نداشت. در جای دیگری از نامه، فروغی اشاره میکند که «حال باید فرض کرد و این احتمال را از نظر دور نداشت که شاید کنفرانس صلح نخواست یا نتوانست به حرف ایران گوش بدهد و یا تقاضای ایران را قبول کند، آنوقت چه باید کرد؟» باز هم در نامه آمده است که «چنانچه اگر کنفرانس برای شنیدن حرف ما حاضر شود احتمال کلی می‌رود که...»

بدرستی روشن میشود که فروغی حتی امید راه یافتن به کنفرانس را ندارد و بارها به این نومیدی خود اشاره صریح کرده است و روی همین اصل در ادامه گوشش و اهتمام برای راه یافتن به کنفرانس هم مردد است، درحالیکه اگر تا این موقع نطقی در کنفرانس ایراد کرده بود مسلماً از آن بعنوان یک قدم بزرگ در راه - یابی به کنفرانس صلح و جلب توجه نمایندگان دول دیگر یاد میکرد و حتی درباره تأثیر نطق خود و عکس‌العمل کنفرانس توضیحاتی در نامه‌اش میداد.

مجله یغماهم که این متن را بعنوان نطق فروغی چاپ کرده است در پایان مقاله بعنوان توضیح مینویسد: آنچه بیاد می‌آید اینست که نمایندگان ایران محمد علی فروغی و مشاور الممالک انصاری را در مجمع عمومی پاریس نپذیرفتند و در تأیید این مسئله دوییت ازقطعه‌ای را متعلق به سید ابوالقاسم ذره آورده است که:

از امضای قرارداد ۱۹۱۹ (تاریخ امضاء و انعقاد قرارداد، ۹ اوت ۱۹۱۹ برابر با ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۷ می‌باشد) مسئولیت وزارت خارجه را بعهده گرفت و سه روز پس از امضای قرارداد عازم

شنیده‌ام اروپائیان به مجلس صلح  
 چهارقرن بر این قوم میزبان بودیم  
 نداده‌اند رضایت به میهمانی ما  
 چهار روز نکردند میزبانی ما  
 مجله راهنمای کتاب درمقدمه‌ای پیش از نامه فروغی مینویسد که: «او در آن وقت عضو هیئت ایرانی بود که به ریاست مشاورالممالک انصاری به منظور آنکه بتواند در کنفرانس صلح شرکت کند به اروپا رفته بود ولی توفیق حاصل نکرد.» در حالیکه اگر فروغی نطقی ایراد کرده بود مسلماً برای او وهیئت ایرانی موفقیتی محسوب میشد.

تا اینجا معلوم میشود که فروغی تاچهل روز پس از رسیدن به پاریس چنین نطقی را ایراد نکرده است و بعد از آن هم بااستناد به مدارك معتبر وزارت امور خارجه انگلستان و وزارت امور خارجه امریکا و همچنین مدارك مربوط به کنفرانس صلح پاریس و سایر منابع دیگر چنین نطقی توسط فروغی ایراد نشده است. در یادداشت‌های شخصی مشاورالممالک که توسط عبدالحسین مسعود انصاری، پسر آن مرحوم در کتاب زندگانی من ونگاهی بتاریخ معاصر ایران و جهان، جمع آمده نیز اشاره‌یی بنطق فروغی نشده است. با اینکه مشاورالممالک تمام گوشش‌ها و اقدامات اعضای هیئت ایرانی، خصوصاً فروغی را در یادداشت‌های خود ذکر کرده است ولی در مورد نطق مزبور مطلبی بچشم نمیخورد. در این یادداشت هامیخوانیم که: «ذکاء‌الملک و میرزا حسین خان در هیچ مورد از زحمت و بروز جدیت کوتاهی نکرده اتصالاً با اشخاص صاحب نفوذ چه از ادبا و مبعوثین و چه از روسای مطبوعات ملاقات و توجه آنها را به مواد هشتگانه جلب و آنها را بایذل مساعدت در انجام مقاصد مساعد مینمودند...» حتی خود عبدالحسین مسعود انصاری هم که بعنوان منشی هیئت نمایندگی ایران به پاریس رفته بود نیز در طی یادداشت‌های شخصی خود بهیچ وجه به ایراد این نطق اشاره نکرده است.

طن قوی اینست که فروغی شرحی اجمالی برای روشن کردن کنفرانس و استفاده شخصی از این پیش‌نویس برای نطقی که احتمالاً میبایست در کنفرانس صلح میکرد تهیه کرده ولی موفق به ایراد آن نشده است و بعدها این پیش‌نویس بدست روزنامه‌یی قدیمی که متأسفانه مجله یغما هم نامی از آن نبرده است رسیده و در آن چاپ شده است، بدون اینکه تحقیقی درباره صحت ایراد آن توسط فروغی در کنفرانس صلح شده باشد، که مجله یغما هم عیناً به چاپ آن مبادرت ورزیده است.

اروپا گردید». <sup>۲۸</sup> و در این زمان هم کنفرانس ولسای تقریباً بکار خود پایان داده بود. باز در جای دیگر مینویسد که «هیئت نمایندگی ایران به ریاست مشاور الممالک از یکسال پیش در پاریس بودند» و در مورد انتخاب رئیس هیئت نمایندگی ایران هم معتقد است که: «برای کنفرانس صلح در آغاز و ثوق الدوله، ناصرالملک را در نظر گرفته بود، اما او صلاح دانست خود رئیس الوزرا شرکت کند. و ثوق الدوله هم بسیار مایل بود ولی احمد شاه که وجود و ثوق الدوله را برای حفظ امنیت داخلی لازم میدانست با رفتن او موافقت نکرد و مشاور برحسب تمایل شاه بریاست هیئت نمایندگی ایران برگزیده شد». <sup>۲۹</sup> اما اینکه خود و ثوق الدوله بسیار مایل بود تا شخصاً در کنفرانس صلح شرکت نماید، محل تأمل است، چرا که و ثوق الدوله بدلیل اینکه از مدت‌ها پیش بطور سری و محرمانه مشغول مذاکره با نمایندگان دولت انگلیس بود تا قرارداد ۱۹۱۹ را فراهم آورد، نمیتوانسته این مهم را نادیده گرفته و رهسپار پاریس گردد. در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۱۹ که بیانیه و متن قرارداد ۱۹۱۹ از طرف دولت انگلستان منتشر گردید در مقدمه بیانیه آمده بود که: «بدنبال ۹ ماه مذاکراتی که بین دولتین جریان داشت ... الخ». <sup>۳۰</sup> باین ترتیب ملاحظه میشود که تاریخ شروع مذاکرات برای قرارداد مزبور تقریباً اواخر نوامبر ۱۹۱۸ بوده و در حدود دو ماه بعد از این تاریخ است که

۲۸- صفائی، همانجا، ص ۴۳۹.

۲۹- همانجا، ص ۴۴۹.

30- Parliamentary Paper, Agreement Between His Britannic Majesty's Government and the Persian Government. (Signed at Tehran, August 9. 1919.) Persia No. 1, (1919), Cmd. 300.



هیئت نمایندگی ایران عازم پاریس گردید. وثوق‌الدوله بعنوان رئیس دولت شخصا در جریان مذاکرات مربوط به قرارداد بوده و نمیتوانسته مذاکرات را معلق گذاشته و به پاریس برود، چه اینکه تمایل داشته باشد. از طرف دیگر بطوریکه بعد از انتشار قرارداد معلوم گردید نصرت‌الدوله هم یکی از عوامل موثر در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ بوده و از سوی دیگر فرستادن مشاورالممالک به پاریس نه تنها با مخالفت وثوق‌الدوله روبرو نبوده، بلکه هدف وثوق دور کردن مشاور بود تا کار قرارداد را یکسره کند، چه اینکه مشاورالممالک مردی صالح و وطن‌پرست بود و بعنوان وزیر خارجه هم از مخالفین قرارداد بوده است. بعضی مورخین معتقدند که مشاورالممالک را که مخالف جدی نصرت‌الدوله بود از تهران بسمت نماینده به کنفرانس صلح به اروپا فرستادند تا از شر او ایمن باشند.<sup>۳۱</sup> در تائید این نظر دولت‌آبادی مینویسد که: «وثوق‌الدوله برای پاك کردن حوزه وزارتی خود از وجود يك تن که ممکن است در عقد قرارداد با او موافقت نکند، به نامزد بودن او برای ریاست هیئت نمایندگی ایران موافقت میکند و او میرزا علیقلی‌خان مشاورالممالک انصاری است که اکنون وزیر خارجه است و تنها رقیب وثوق‌الدوله در هیئت دولت.»<sup>۳۲</sup> فرخ هم مینویسد: «وقتی مشاورالممالک را باین طریق دور کردند و مشاور در پشت در کنگره ورسای برای ایران سینه چاک میکرد، وثوق در تهران مشغول زد و بند با سفیر انگلیس بود تا قرارداد

۳۱- عباس اسکندری، تاریخ مفصل مشروطیت ایران یا کتاب آرزو،

جلد اول، ص ۱۱۸

۳۲- یحیی دولت‌آبادی، همانجا، ص ۱۰۱

۱۹۱۹ را تنظیم نماید. «<sup>۳۳</sup>

هیئت نمایندگی ایران در بدو ورود به پاریس، بیانیهای را که حاوی دعاوی ایران بود به دبیرخانه کنفرانس صلح در ورسای تسلیم داشت. در این بیانیه دعاوی ایران در سه قسمت به شرح زیر به دبیرخانه ارائه شده بود.<sup>۳۴</sup>

۱- الفای عهدنامه ۱۹۰۷ روسیه و انگلستان و الفای کاپیتولاسیون قضائی .

۲- جبران خساراتی که ایران از جنگ متحمل شده و آزادی عمل در مسائل اقتصادی و رهائی از قیود عهدنامه های اقتصادی که به ایران تحمیل شده است .

۳- استرداد سرزمینهایی که دولتهای روسیه و انگلستان از ایران منتزع کرده و الحاق مجدد آنها به ایران .

حدود سرزمینهای مورد ادعای ایران از سمت شمال شرقی و از رود جیحون شروع و مناطقی در ماوراء خزر را که شامل مرو و خیوه میگردد دربر میگرفت. در سمت غرب و شمال غربی قسمتی از آسیای صغیر تا حدود فرات، که مناطق کردستان، دیار بکر و موصل را شامل میشد. در مورد دعاوی ارضی ایران فروغی هم اظهار ناخشنودی کرده و در نامه خود مینویسد: «پرده پوشی نمیکنم که این یک ادعای زیادی بود که ما کردیم. این شکل هم که کردیم مبالغه آمیز بود...»<sup>۳۵</sup> یکی دیگر از اعضای

۳۳- مهدی فرخ، همانجا، ص ۴۲

34— H. W. V. Temperley, ed. A History of the Peace Conference of Paris, Vol. VI, P. 211 .

۳۵- «ایران در ۱۹۱۹ - مکتوبی از فروغی» (اسناد و مدارک تاریخی)، مجله راهنمای کتاب، شماره های ۱۰، ۱۱ و ۱۲ (دی، بهمن و اسفند ۱۳۵۱)، ۸۲۲ تا ۸۴۵ .

هیئت نمایندگی ایران مینویسد: «راجع به زیاده طلبیهای ایران منم که منشی هیئت نمایندگی ایران بودم اذعان میکنم که در تقاضاهای ما خیلی زیاده روی شده بود.»<sup>۳۶</sup>

هیئت نمایندگی ایران در بیان خود از شورای چهار نفره که مرجع عالی کنفرانس ورسای بشمار میرفت<sup>۳۷</sup> درخواست کرده بود تا به نمایندگان ایران اجازه شرکت در کنفرانس داده شود تا آنها بتوانند دعاوی ایران را بسمع برسانند. این درخواست نمایندگان ایران هیچگاه بطور جدی مورد توجه قرار نگرفت و در تمام مدتی که کنفرانس بکار خود ادامه میداد جمعاً سه بار مسئله مشارکت ایران در کنفرانس مورد بحث قرار گرفت که هر سه بار نیز با مخالفت نمایندگان دولت انگلیس روبرو شد و ناگزیر کنفرانس صلح هیچگونه تصمیمی برای شرکت ایران در کنفرانس نگرفت. دلیل مخالفت انگلستان هم بسیار روشن بود، اولاً «انگلیسها مایل نبودند تا در هیچ مجمعی نامی از ایران برده شود مگر به زیان آنها»<sup>۳۸</sup>. و دیگر اینکه در همان اثنا نماینده دولت انگلیس در تهران مشغول مذاکره برای عقد قرارداد ۱۹۱۹ بود و امکان داشت که شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و رسیدگی به دعاوی ایران موجب گردد تا شرائطی را که در تحت آن مذاکرات قرارداد صورت میگرفت تغییر داده و حتی دستیابی به حداقل این دعاوی توسط ایرانیان که قسمت کمی از آن را خود انگلیسیها

۳۶- عبدالحسین مسعود انصاری، زندگانی من ونگاهی بتاریخ معاصر ایران و جهان، جلد اول، ص ۳۳۱.

۳۷- اعضای شورای عالی چهار نفره عبارت بودند از: وودرو ویلسن رئیس جمهور امریکا، لوید جورج نخست وزیر انگلستان، جرج کلمانسو نخست وزیر فرانسه و امانوئل اورلاندو نخست وزیر ایتالیا.

۳۸- یحیی دولت آبادی، همانجا، ص ۱۰۱

بعنوان امتیازاتی برای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ به ایران وعده داده بودند ، باعث شود تا بطور کلی موضوع قرارداد منتفی گردد . از سوی دیگر مذاکرات برای قرارداد ۱۹۱۹ بطور سری جریان داشت و احتمالاً برملا شدن آن در يك محفل بین‌المللی در صورت رسیدگی به دعاوی ایران در کنفرانس صلح پاریس بسیار زیاد بود ، و با توجه به اینکه شرکت کنندگان در کنفرانس پاریس بنا بر اصول چهارده‌گانه پیشنهادی ویلسن پذیرفته بودند که میثاق‌های صلح که صریحاً منعقد شده باشد پذیرفته شود و پس از آن نیز هیچگونه تفاهم بین‌المللی خصوصی را نپذیرند و دیپلماسی نیز همواره بطور صریح و درملاء عام اجراء گردد ، در این صورت یعنی کشف حقایق مربوط به مذاکرات سری در تهران که مغایر با اصول قراردادی و اعتقادی کنفرانس بود ، لطمه شدیدی به حیثیت انگلستان وارد میکرد و انگلستان متهم به سازش‌های پنهانی در خارج از چهار چوب کنفرانس میگردد و بعلاوه احتمالاً موجب میشد تا مذاکرات قرارداد معلق و قضیه به کنفرانس ورسای احاله گردد و در آنصورت پای‌دولت‌های دیگری مانند فرانسه که با عقد قرارداد ۱۹۱۹ منافعش سخت بخاطر افتاد در میان بیاید و این مسئله همان چیزی بود که انگلستان از آن بیم داشت .

اولین بار در جلسه شورای ده نفره<sup>۳۹</sup> در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۱۹ ، نماینده ایتالیا پیشنهاد رسیدگی به درخواست ایران و استماع گزارش هیئت نمایندگی ایران را نمود . براساس محتوای یادداشت‌های سری شورای ده نفره و شورای چهار نفره در کنفرانس

۳۹- شورای ده نفره در کنفرانس ورسای مرکب از دو نماینده از هر کدام از کشورهای امریکا ، انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا و ژاپن بود .

پاریس ، بالفور وزیر امور خارجه انگلیس بدلیل اینکه ایران در زمره کشورهای متحارب نبوده است و رسماً در تمام جنگ بیطرف شناخته شده است با پیشنهاد نماینده ایتالیا مخالفت کرد و درخواست ایران را بدلیل اینکه خارج از مسائل مورد رسیدگی کنفرانس است وارد ندانست .<sup>۴۰</sup> در جلسه شورای عالی چهار نفره منعقد شده در تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۱۹ ، ویلسن رئیس جمهوری آمریکا یکبار دیگر موضوع را مطرح ساخته و تقاضای رسیدگی به درخواست هیئت نمایندگی ایران را میکند .<sup>۴۱</sup> در پاسخ این تقاضا، لویدجرج نخست وزیر انگلیس اظهار میدارد که چون بالفور وزیر خارجه انگلیس با شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس مخالف است و دلیل این مخالفت هم برای او روشن نیست ، لذا تا مذاکره مجدد با بالفور موضوع ایران مسکوت بماند .<sup>۴۲</sup> دو هفته بعد در تاریخ ۷ ماه مه ۱۹۱۹ ، پرزیدنت ویلسن برای آخرین بار موضوع شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح را در شورای عالی چهار نفره مطرح میسازد و از شورا میخواهد تا با نظر مساعد مسئله ایران را مورد بررسی قرار دهد .<sup>۴۳</sup> اما این بار هم لویدجرج نخست وزیر انگلستان بمخالفت برخاسته و بدلیل اینکه مسئله ترکیه هنوز مورد بررسی قرار نگرفته و بعلاوه بعد از ترکیه باید

40— United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919: The Paris Peace Conference. Vol. IV, P. 57 .

41— Ibid.

42— United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919: The Paris Peace Conference . Vol. V, P. 153 .

43— Ibid. P. 498 .

به مسائل مربوط به هندوستان و قسطنطنیه پرداخته شود ، با پیشنهاد ویلسن مخالفت مینماید .<sup>۴۴</sup>

بطوریکه ملاحظه میشود در هر سه مورد مخالفت نمایندگان انگلستان مانع پذیرفتن نمایندگان ایران در کنفرانس صلح پاریس و حتی مانع رسیدگی به دعاوی ایران گردیده است و از متن یادداشت‌های سری شوراهاى چهار نفره و ده نفره نیز بروشنی و وضوح استنباط میگردد که تنها مخالفت نمایندگان انگلیس باعث این امر بوده است . باین ترتیب موضوع ایران و دعاوی ایران در کنفرانس صلح پاریس به فراموشی سپرده شد .

هارولد نیکلسن Harold Nicolson دیپلمات برجسته انگلیسی و عضو هیئت نمایندگی انگلستان در کنفرانس ورسای ، پذیرفته نشدن هیئت نمایندگی ایران را باین علت میدانند که در نتیجه آن ممکن بود کشور های بیطرف دیگر هم مانند سوئد ، سوئیس و هلند نیز چنین تقاضائی بنمایند ولی در عین حال نیکلسن معتقد است که دولت انگلستان میبایست از نمایندگان ایران حمایت میکرد و مینویسد که هیئت نمایندگی انگلیس با مخالفت خود برای پذیرفتن ایرانیان در کنفرانس مرتکب اشتباه بزرگی شد و باعث گردید تا همه مردم دنیا تصور نمایند که مخالفت با پذیرش نمایندگان ایران در کنفرانس فقط بعلت خود خواهی انگلیسیها و خودپسندی و مخالفت بریتانیای کبیر بوده است .<sup>۴۵</sup>

البته در این باره خود آقای نیکلسن هم مرتکب اشتباه شده چه

44— Ibid .

45— Harold Nicolson, Curzon: The Last Phase 1919-1925: A Study in Post War Diplomacy. PP. 135-136 .

اینکه ایرانیها و همه مردم دنیا نه تنها تصور نمیکنند بلکه یقین دارند که ممانعت از مشارکت ایران در کنفرانس صلح پاریس فقط و فقط به سبب مخالفت انگلیسیها بوده است ، کما اینکه وجود مدارك روشن و غیر قابل انکار هم این واقعیت را مدلل میسازد . لیکن انگلیسیها همواره سعی داشتند که این واقعیت را پنهان دارند و حتی در این باره مسئولین دولت انگلستان به نمایندگان مجلس آن کشور نیز حقیقت را اظهار نکردند .

در جلسه روز ۱۹ ماه مه ۱۹۱۹ مجلس عوام یکی از نمایندگان از دولت سؤال مینماید که آیا دولت انگلیس درخواستی از دولت ایران برای شرکت در کنفرانس صلح دریافت داشته است یا خیر؟ و اصولاً چرا نمایندگان انگلیس در کنفرانس صلح با شرکت نمایندگان ایران در آن کنفرانس مخالفت کرده اند .<sup>۴۶</sup> سخنگوی دولت در پارلمان انگلستان در جواب پرسش این نماینده اظهار داشت که اولاً چنین درخواستی از دولت انگلستان نشده است و ثانیاً در مورد پذیرش و مشارکت هیئت نمایندگی ایران ، مسئله مربوط به کنفرانس بوده و نمایندگان انگلیس در کنفرانس در این باب اقدامی نکرده و مخالفتی ابراز نداشته اند .<sup>۴۷</sup> درحالیکه انگلیسیها صریحاً به علاءالسلطنه وزیر مختار ایران در لندن گفته بودند که ابدأ میل ندارند که ایران مطالب خود را به کنفرانس ارجاع نماید .<sup>۴۸</sup>

46— Parliamentary Debates, (House of Commons), Fifth Series, Vol. 116, Col. 23, 19 May 1919 .

47— Ibid.

۴۸— عبدالحسین مسعود انصاری ، همانجا ، ص ۳۳۰

روزنامه «تایمز» لندن در تأیید نظر وزارت امور خارجه انگلیس در مورد هیئت نمایندگی ایران در سرمقاله روز ۲۴ آوریل ۱۹۱۹ خود پس از بحث درباره دعاوی ایران به انتقاد سخت در مورد این دعاوی پرداخته و آنرا علت پذیرفته نشدن نمایندگان ایران در کنفرانس صلح قلمداد کرده است.<sup>۴۹</sup> ولی همین روزنامه در مقاله اساسی خود در روز ۸ ژوئن سال ۱۹۱۹ وزارت امور خارجه انگلیس را بباد انتقاد گرفته و اقدامات و تلاشهای این وزارت خانه و نمایندگان انگلیس در کنفرانس صلح را دلیل پذیرفته نشدن نمایندگان ایران در کنفرانس دانسته و از وزارت خارجه سؤال میکند که چرا نباید لاقلاً هیئت نمایندگی ایران از پاریس به لندن دعوت شوند تا در آنجا اختلافات جزئی، میان دوکشور از بین برود؟<sup>۵۰</sup>

در طرحی که برای صلح و ارائه آن به کنفرانس پاریس توسط دو تن از متخصصین امریکائی بنامهای جیمزبارون اسکات James Baron Scott و دیوید هانترمیلر David Hunter Miller تهیه شده بود، حدود مرزهای ایران و همچنین اوضاع کشور در طول جنگ مورد توجه قرار گرفته و در این طرح بصراحت ذکر شده بود که: «ایران باید یکی از امضاءکنندگان عهدنامه صلح باشد».<sup>۵۱</sup> و حتی در یادداشتهای شخصی دیوید هانترمیلر بتاریخ ۲۲ نوامبر

49— London Times, 22 April 1919 .

50— London Times, 8 June 1919 .

51— United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919, The Paris Peace Conference . Vol. 1, P. 310 .



۱۹۱۸ میخوانیم که : «حقوق لوکزامبورگ و ایران که هر دو کشور مورد هجوم قوای دولتهای متخاصم قرار گرفته‌اند میبایست با شرکت نمایندگان آنها در کنفرانس صلح مورد توجه و حمایت قرار گیرد.<sup>۵۲</sup> ولی با این حال و با توجه به حمایت دولت امریکا از شرکت ایران در کنفرانس صلح، بر اثر پافشاری و مخالفت نمایندگان انگلیس، کنفرانس از پذیرفتن هیئت نمایندگی ایران امتناع مینماید .

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

چنانچه ذکر شد نگرانی دولت انگلستان از جهت قراردادی بود که مذاکرات آن در تهران جریان داشت و لذا مایل نبود تا مسائل مربوط به ایران در يك کنفرانس بین‌المللی نظیر کنفرانس ورسای عنوان شود . در تأیید این نظر نامه‌ای است از لانسینگ وزیر خارجه امریکا خطاب به لرد کرزن که بعد از بالفور عهده‌دار وزارت امور خارجه انگلیس گردید. لانسینگ در نامه خود مینویسد که : «... در پاریس من سه بار از آقای بالفور خواستم تا فرصتی به نمایندگان ایران داده شود تا آنها دعاوی ایران را بسمع شورای وزیران خارجه کنفرانس برسازند. در هر سه بار آقای بالفور با این درخواست من مخالفت کرد و اکنون دریافته‌ام که بهنگامیکه من این درخواستها را میکردم، بریتانیای کبیر مشغول مذاکره با دولت ایران برای عقد قراردادی بوده تا حداقل بتواند کنترل اقتصادی ایران را در دست بگیرد.<sup>۵۳</sup> فروغی در این باره مینویسد: «چیزیکه از تلگرافات و اطلاعات حاصله از وزارت امور خارجه

52— Ibid. P. 362 .

53— United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919, Vol. 2, P. 706 .

پاریس و حرفهای انگلیسیها و غیره استنباط کردیم اینست که انگلیسیها اوضاع تهران را مساعد و مغتنم شمرده‌اند که ترتیباتی داده شود که مملکت ایران از حیث امور سیاسی و اقتصادی زبردست خودشان باشد. ۵۴

در این میان کارشکنی و ثوق‌الدوله هم بنوبه خود در شکست مأموریت هیئت نمایندگی ایران تأثیر میگذارد، چرا که وقتی مشاورالممالک بعنوان وزیر امور خارجه و رئیس هیئت نمایندگی در پاریس با جدیت فراوان سعی داشت تا با حمایت امریکا و فرانسه ایران را در زمره یکی از ملل آزاد و بیطرفی که مورد تجاوز قشون دول متخاصم فرار گرفته قلمداد نموده و به استیفای حقوق ایران بپردازد، و ثوق‌الدوله برای اجرای بهتر مذاکرات مربوط به قرارداد ۱۹۱۹ مشاور را از کار برکنار میکند و پست وزارت خارجه را به نصرت‌الدوله فیروز میسپارد، در حالیکه مشاور استعفا نداده و اخراج هم نشده بود. فرخ مینویسد که: «نصرت-الدوله فیروز را باین جهت وزیر امور خارجه کردند تا بدون کوچکترین دردسر دستورات «ارباب» در مورد قرارداد ۱۹۱۹ اجراء بشود». ۵۵ البته شکی نیست که باوجود مخالفت‌های دولت انگلستان در مشارکت ایران در کنفرانس صلح اگر مشاورالممالک همانگونه بعنوان وزیر خارجه به ایران مراجعت میکرد لاجرم میبایست یکی از امضاء کنندگان قرارداد ۱۹۱۹ باشد و کاملاً

۵۴- راهنمای کتاب، همانجا، ص ۸۳۷

۵۵- مهدی فرخ، همانجا، ص ۵۳

بعید بنظر میرسد که او حاضر به امضای قرارداد بوده باشد .  
 لذا به توصیه انگلیسیها برای مشاور پس از برکناری از وزارت  
 خارجه پست سفارت کبری ترکیه را در نظر گرفتند و از همان  
 پاریس او را روانه استانبول نمودند و باین ترتیب دیگر کاری  
 از دست مشاور نه در کنفرانس صلح ساخته بود و نه اینکه نقشی  
 در قرارداد ۱۹۱۹ داشت .

البته برخی معتقدند که حتی پیش از رسیدن مشاور الممالک  
 به پاریس، وثوق الدوله و همکاران او از داخلی و خارجی به  
 کارشکنی برای هیئت اعزامی پرداخته و مسافرت هیئت را لغو  
 نموده بطوریکه به جمع مزبور راه نمی‌یابد و در همین گیرودار  
 که هیئت ایرانی در پاریس سرگردان بوده رئیس آن از وزارت  
 خارجه معزول میشود.<sup>۵۶</sup> در خصوص عدم حمایت دولت ایران  
 از هیئت اعزامی به پاریس و کارشکنی وثوق الدوله و دیگران  
 نیز نامه‌یی از وزیر امور خارجه آمریکا خطاب به کاردار سفارت  
 ایران در واشنگتن موجود است که بخوبی از وقایعی که منجر به  
 برکناری مشاور الممالک و شکست مأموریت وی گردیده بود  
 پرده برمیدارد.<sup>۵۷</sup> فروغی هم باین کارشکنی دولت اشاره میکند

۵۶- یحیی دولت‌آبادی ، همانجا ، ص ۱۰۲

۵۷- ترجمه فارسی این‌نامه در صفحه ۳۹۹ کتاب **خاطرات و خطرات** ،

تألیف مهدیقلی خان هدایت مخبرالسلطنه و همچنین در صفحات ۷۲ و ۷۳ کتاب  
**شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه** ، جلد سوم، تألیف  
 عبدالله مستوفی چاپ شده است .

و مینویسد: «از هیئت دولت حق داریم که خیلی گله مند باشیم...»<sup>۵۸</sup>  
 هیئت نمایندگی ایران پس از ماهها سرگردانی در پاریس  
 و تلاش بیپرده برای راه یافتن به يك مجمع بزرگ بین‌المللی،  
 بدون اخذ نتیجه پراکنده شد. حسین علاء رهسپار امریکا گردید  
 و مشاور الممالک هم به استانبول عزیمت نمود و بقیه اعضای  
 هیئت نیز با دست خالی روانه تهران گشتند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

### الف - منابع فارسی :

- اسکندری ، عباس ، تاریخ مفصل مشروطیت ایران یا کتاب آرزو ، جلد اول .  
تهران : چاپخانه پروین ، تاریخ انتشار ؟
- انصاری ، عبدالحسین مسعود زندگانی من و نگاهی بتاریخ معاصر ایران و جهان ،  
جلد اول . تهران : ابن سینا ، تاریخ انتشار ؟
- بهار ، محمد تقی (ملک الشعراء) تاریخ مختصر احزاب سیاسی : انقراض قاجاریه ، جلد  
اول . تهران ، ۱۳۳۳
- دولت آبادی ، یحیی . تاریخ عصر حاضر یا حیات یحیی ، جلد چهارم .  
تهران : ابن سینا ، ۱۳۳۱
- سپهر ، مورخ الدوله . ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ . تهران :  
چاپخانه بانک ملی ایران ، ۱۳۳۶
- شمیم ، علی اصغر . ایران در دوره سلطنت قاجاریه . تهران : ابن سینا ،  
۱۳۴۲
- شوستر ، مورگان . اختناق ایران . ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری ،  
تهران : بنگاه صفی علی شاه ، ۱۳۵۱
- صفائی ، ابراهیم . رهبران مشروطه . تهران : چاپخانه شرق ، ۱۳۴۴ .
- فرخ ، سید مهدی . خاطرات سیاسی فرخ ، باهتمام و تحریر پرویز لوشانی ،  
جلد اول و دوم . تهران : چاپخانه سپهر ، ۱۳۴۷
- مستوفی ، عبدالله . شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره -  
قاجاریه ، جلد سوم ، چاپ دوم . تهران . چاپ تهران -  
مصور ، ۱۳۴۳
- هدایت ، مهدیقلیخان ( مخبر السلطنه ) . خاطرات و خطرات . تهران : شرکت چاپ  
رنگین ، ۱۳۲۹

### مجلات :

راهنمای کتاب ، سال پانزدهم ، شماره های ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۲ (دی ، بهمن  
و اسفند ۱۳۵۱) .

یغمنا ، سال شانزدهم ، شماره یکم (فروردین ۱۳۴۲) .

ب - منابع خارجی :

OFFICIAL DOCUMENTS :

Great Britain, Foreign Office, Agreement Between his Britannic Majesty's Government and the Persian Government, Signed At Tehran, August 9, 1919. London: 1919. Cmd. 300, Persia No. 1 (1919) .

Great Britain, Parliament, Parliamentary Debates, House of Commons. Fifth Series, Vol. 116 .

Great Britain, Parliament, Parliamentary Debates, House of Lords. Fifth Series, Vol. 23 .

United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919. Vol. 2, (Washington, D. C. Government Printing Office, 1942).

United States, Department of State, Papers Relating to the Foreign Relations of the United States 1919: The Paris Peace Conference. Vols. 1, IV, & V, (Washington, D. C. Government Printing Office, 1942) .

UNPUBLISHED SOURCE :

Great Britain, Imperial War Cabinet, Cabinet Records, 1918-1921 . Microfilm Copies of Records in the Public Record Office, London, England .

BOOKS :

Hankey, Lord. The Supreme Command 1914-1918, 2 Vols. (London : George Allen & Unwin Limited, 1961) .

Nicolson, Harold. Curzon: The Last Phase 1919-1925: A Study in Post War Diplomacy, (London: Constable & Co., Ltd., 1931) .

Temperley, H. W. V. A History of the Peace Conference of Paris, Vol. VI, (London: Henry Frowde and Hodder & Stoughton, 1924) .

Newspaper & Periodical :

The London Times .

The Century